

متن پرسش

سلام بر استاد: اواخر این سال، سالی که حضرت حق با اسمایی بس جدید با خلق خویش رخ نمود توفیق شد با ظن خویش، یار که چه عرض کنم خاکسار و خاک راه مولانا و محی الدین افضل الخلائق بعدالنبی باشم نظر کم نظر حقیر به توفیق یزدان بی نظیر گشوده شد بر مثنوی داستان دقیق دقوی و فصوص فص موسوی چه کرده اند این دو آنچه عین ثابتم می طلبد ره یابی به ژرفنای این دو اقیانوس بی کران است آنچه در شارحان اندک مثنوی انسان مشاهده می‌کند معنی لغت است و یا در دستگاه محی الدین مولانا را به تفسیر می‌کشند و این بحر را نمی‌توان در بحر دیگری مستحیل کرد هر دو وجهی از وجوه حقند همانگونه که شیخ در مورد خراز این راز را بیان کردند راستی استاد معنی تحت اللفظی دقوی را کجا بیابیم چه رسد به شرح شرحه ای از آن؟ باری استاد پس از سالیانی سرگردانی در کویر ظمات و ظلمات به مجمع البحرین رسیدم و قصد جمع بین این بحرین دارم سابق پرسیدم و رهی نگشودید چه کند این سبو شکسته در جنب این دو بحر بل جنب الله. سوال دیگر آنکه در تراکتاتوس ویتگنشتاین در آخر رساله زیرپل کل رساله را می‌زند و تشبیه به نردبانی می‌کند که پس از استعمال مستعمل می‌شود و دیگری نیازی بدو نیست جز آنکه باعث می‌شود پای بر بام نهیم و چشم انداز او سعی در منظر خویش داشته باشیم در آخر فصوص هم بنظر رسید محی الدین تز خویش را نفی می‌نماید تا به سنتزی برسد و در انتها اشاره به سیل می‌کند و اینکه گویا کل فصوص با اینکه نفیش کردم راه بود و معبری است نه اقامتگاه و در مورد هایدگر هم می‌بینیم که در مورد مجموعه آثارش نقلست آثار را خط می‌زند و به جای آن راه‌ها می‌نویسد این برداشت را تایید می‌فرمایید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است. جمع‌بندی بنده بعد از رجوع به عرفان و فلسفه‌ی صدرایی و فلسفه‌ی غرب به‌خصوص هایدگر و گادامر، حضور در جهان بین آن دو جهان است که تحت عنوان کتاب «انقلاب اسلامی؛ طلوع جهانی بین دو جهان» در دست چاپ می‌باشد. امید است مفید افتد. صوت آن مباحث روی سایت هست <http://lobolmizan.ir/sound/۱۳۱۹> موفق باشید